

مصاحبه نشریه اوپک با مدیر کل NNPC



متن ذیل مصاحبه‌ای است که بولتن ماهیانه اوپک با آقای جکسون گاروس-اوباسکی^(۱) مدیر اجرایی شرکت NNPC در مورد مسائل شرکت ملی نفت نیجریه، وضعیت اقتصادی کشور به ویژه در خصوص بخشهای نفت، گاز و پتروشیمی و نیز بازار نفت اوپک و جهان انجام داده است.

● قیمت نفت از زمان سومین مرحله کاهش تولید نفت (مارس ۱۹۹۹) که مشترکاً توسط اوپک و کشورهای غیر عضو اوپک صورت گرفت به درجه‌ای از ثبات و قوت رسیده است. وضعیت فعلی بازار را چگونه می‌بینید؟ آیا نسبت به سطح فعلی قیمت‌ها خوشنودید؟

○ میانگین قیمت نفت طی سه ماهه سوم سال ۱۹۹۸ حدود ۱۰/۹ دلار برای هر بشکه بود که در سه ماهه اول سال ۱۹۹۹ به ۱۱ دلار رسید. اما پس از دخالت اوپک و کاهش تولید نفت طی چند مرحله در ماه مارس ۱۹۹۹، قیمت‌های نفت مجدداً با سیر صعودی همراه گشت و در نوامبر ۱۹۹۹ به سطح ۲۵/۷ دلار رسید. با وجود آن که قیمت‌های نفت در سطح جهان به میزان قابل توجهی افزایش یافته است، لیکن نظر به اینکه ابهام‌های فراوانی در بازار نفت وجود دارد، به ویژه تحولات فعلی در رابطه با نفت‌خام‌های ذخیره شده، واکنش عرضه‌کنندگان و شرکت‌های مستقل نفتی، جریان صدور نفت خام عراق و جو حاکم بر بازارهای آتی، بعید می‌نماید که

در روز تا سال ۲۰۰۲ و ۴ میلیون بشکه در روز تا سال ۲۰۱۰ را تحقق بخشد.
۳- استفاده کامل از گازهای همراه نفت و جلوگیری کامل از سوختن آنها که تا سال ۲۰۰۸ این امر محقق نخواهد شد.
۴- توسعه توان مهندسی، تأسیسات‌سازی، تولید و مصرف مواد.
۵- گسترش مهارت‌های مدیریتی و انتقال تکنولوژی به نیروهای انسانی بومی.
۶- توسعه همکاری هرچه بیشتر واحدهای عملیات نفت و گاز نیجریه.
ضمناً، NNPC در نظر دارد تا از طریق

سومین واحد که در سال ۲۰۰۲ وارد مدار خواهد شد، ۳/۷ میلیارد مترمکعب در سال می‌باشد. ضمناً کل گاز تولیدی این کارخانه تحت قراردادهای بلندمدت به مشتریان اروپایی فروخته شده که جزییات آن در جدول ۳ منعکس گردیده است.

دومین منبع درآمد از فروش LNG، مایعات همراه و LPG مجموعاً به ارزش ۱/۴ میلیارد دلار -براساس قیمت ۱۳ دلار برای هر بشکه نفت خام به عنوان ارزش واقعی نفت خام در سال ۱۹۹۹ فراهم خواهد شد. البته در ابتدا، درآمد حاصل از فروش

جدول سه مشتریان LNG نیجریه

میلیارد متر مکعب در سال

مشتری	کشور	واحدهای ۱ و ۲	واحد سوم
انل ^(۹)	ایتالیا	۳/۵	-
اناکاز ^(۱۰)	اسپانیا	۱/۶	۲/۷
گاز فرانسه ^(۱۱)	فرانسه	۰/۵	-
ترانس گاز ^(۱۲)	پرتغال	۰/۳	۱/۰
جمع		۷/۲	۳/۷

تملك واحدهای بالایشی و جایگاه‌های عرضه فرآورده‌های نفتی و سودآور نمودن آنها به طور فعال در تجارت فرآورده‌های نفتی به صورت منطقه‌ای مشارکت داشته باشد.

LNG تولید شده توسط دو واحد راه‌اندازی شده کارخانه مذکور در یک حساب امانی جهت تأمین بودجه تکمیل سومین واحد تولید LNG نگهداری خواهد شد. در حین توسعه پروژه مزبور، درآمد حاصله بین شرکا تقسیم خواهد شد.

در فوریه ۱۹۹۹، تصمیم‌گیری نهایی برای تکمیل سومین واحد LNG که هزینه آن ۱/۸ میلیارد دلار برآورد شده است، توسط شرکا اتخاذ گردید. شایان ذکر است NLNG مصمم است تا با احداث دو واحد دیگر در درازمدت، مجموعاً ۵ واحد تولید LNG در اختیار داشته باشد.

پی نوشت:

- 1- Kaduna
- 2- Warri
- 3- Port Harcourt
- 4- Eleme
- 5- African Petroleum
- 6- Nlchem
- 7- FSB
- 8- NAFCON
- 9- Enel
- 10- Enagaz
- 11- Gas de France
- 12- Transgaz

آینده NNPC

NNPC مستمراً درصدد ایفای نقشی برتر در اقتصاد نیجریه از طریق مدیریتی کارآمدتر در صنعت نفت، افزایش ظرفیت تولید و درآمد مکفی حاصل از فروش نفت و گاز و تأمین فرآورده‌ها نفتی به منظور فراهم ساختن زمینه توسعه و رشد اقتصادی کشور می‌باشد. بدین منظور، این شرکت در نظر دارد:

- ۱- ذخیره ارزی ۳۰ میلیارد دلاری تا سال ۲۰۰۲ و ۴۰ میلیارد دلاری تا سال ۲۰۱۰ برای کشور فراهم نماید.
- ۲- افزایش ظرفیت تولید به ۳ میلیون بشکه

بازار به ثبات رسیده باشد. لذا، دولت نیجریه قیمت ۱۸ دلار را برای هر بشکه نفت برای بودجه خود در سال ۲۰۰۰ در نظر گرفته است. به هر حال، هر چند قیمت‌های نفت در شرایط مطلوبی قرار دارند و با سیر صعودی همراهند که خصوصاً ناشی از افزایش مجدد تقاضای نفت توسط کشورهای جنوب شرقی آسیا به دلیل احیای دوباره وضعیت اقتصاد آنهاست. اما بیم آن می‌رود که سطح فعلی قیمت‌های نفت تداوم نداشته و در درازمدت اثرات منفی برجای گذارد. بدیهی است واکنش مثبت تولیدکنندگان غیر عضو اوپک و افزایش بی‌رویه تولید ممکن است موجب افزایش شدید عرضه و اشباع بازار نفت و نهایتاً سبب سقوط قیمت‌های نفت گردد.

● آیا به نظر شما اوپک باید در شرایطی اصولی‌تر اقدام به تعیین قیمت هدف و یا تعیین محدوده‌ای برای قیمت نفت نماید؟ چنانچه نظر تان مثبت است، چه سطح و محدوده‌ای برای قیمت مناسب است؟ و چگونه اوپک می‌تواند چنین چیزی را تحقق بخشد؟

(۱) البته تعیین یک هدف و یا محدوده برای قیمت‌های نفت به لحاظ نظری جذاب و جالب است، اما شانس موفقیت آن در عمل بسیار ناچیز است. زیرا اولاً، تجربه فعلی اوپک در تعیین قیمت هدف ۲۱ دلار برای هر بشکه (سبد هفت‌گانه نفت خام اوپک) شکست فاحشی بود. بدین علت که کشورهای عضو، ایثار و از خودگذشتگی لازم را جهت نیل به نتیجه مطلوب ننمودند. ثانیاً، پیش‌بینی ضعیفی در مورد سطح جهانی تقاضا صورت گرفته بود. چنانچه اوپک مصمم بر ادامه این گونه روش تعیین هدف قیمت‌گذاری به صورت سه ماهه باشد، به ناچار باید به دفعات مکرر سقف تولید و میزان سهمیه تولید هر یک از اعضای سازمان اوپک را تعیین نماید که در آن صورت، این اقدام موجب افزایش هزینه‌های نظارتی سازمان برای کنترل تولید اعضا می‌گردد. ضمن آنکه، این امر (نظام سهمیه‌بندی) سبب بروز حسادت و انزجار در بین اعضا نسبت به همدیگر می‌شود و در بسیاری از موارد، صرفاً به صورت تصادفی کل اعضای اوپک در تعیین سقف تولید جهت نیل به قیمت پایه و هدف اوپک با هم توافق می‌رسند. مضافاً آنکه، چنانچه تحولی غیرمترقبه مانع از دستیابی اوپک به قیمت پایه شود، این سازمان باید با برگزاری یک جلسه فوق‌العاده برای بررسی قیمت‌ها، در تعیین سقف و سهمیه تولید هر یک از اعضا تجدید نظر نماید. لذا، کلیه موارد مذکور باری تحمیلی بر دوش اوپک جهت

تثبیت بازارهای جهانی نفت است. علاوه بر آن، تمایل فعلی برای نظارت بر رفتار و تحرکات و موقعیت نفت‌خام‌های ذخیره شده جهت تعیین قیمت نفت، نتیجه رضایت‌بخشی دربر ندارد. باید به یاد داشت که تحرکات در نفت‌خام‌های ذخیره شده به عوامل متعدد و گوناگونی بستگی دارد که غیر قابل پیش‌بینی هستند. لذا، چنین نتیجه می‌گیریم که هیچ‌گونه جایگزینی برای روش دیرینه اوپک در بررسی بازار برای شناسایی منابع بالقوه عرضه و تقاضای نفت و برآن اساس، تعیین میزان تقاضای نفت خام اوپک و نیز اعمال یک استراتژی مناسب در نیل به قیمت مطلوب نفت برای اوپک وجود ندارد. آنچه‌که حائز اهمیت است، اعتماد به آمار و ارقام مبتنی بر بررسی‌های بازار می‌باشد.

● چگونه سقوط شدید قیمت نفت در سال ۱۹۹۹ بر فعالیتهای شرکت ملی نفت نیجریه (NNPC) تأثیر گذاشت؟ آیا ناچار شدید برخی از فعالیتهای NNPC را کاهش داده و یا به طور کلی متوقف سازید؟ آیا به ناچار برخی از فعالیتها را، که در صورت مطلوبتر بودن سطح قیمت‌های نفت انجام می‌دادید، کاهش داده و یا رها ساختید؟ آیا در این مورد، پروژه‌های عمده و مهمی هم متوقف گردید؟ و اگر چنین است، چه نوع پروژه‌های بودند؟ و اکنون که قیمت‌ها دوباره افزایش یافته‌اند، آیا آن فعالیتها از سر گرفته خواهند شد؟

(۲) قیمت‌های پایین نفت در سال ۱۹۹۸ سبب افت شدید درآمد‌های مورد انتظار شد و عمدتاً بر روی بودجه کشور تأثیر گذاشت. متعاقباً، این امر موجب گردید تا NNPC نتواند بودجه لازم را جهت اجرای پروژه‌های خاص از دولت اخذ نماید. از جمله این پروژه‌های خاص، می‌توان به پروژه‌های بهینه‌سازی و انجام تعمیرات ادواری پالایشگاه‌ها، کارخانه پتروشیمی الم^(۳) خطوط لوله و مخازن، پروژه‌های تولید و عرضه گاز و پروژه‌های احداث مسکن کارکنان اشاره کرد که بسیاری از آنها به دلیل فقدان بودجه به ناچار به تعویق افتادند. اما در خصوص عملیات بالادستی اکتشاف و توسعه، فعالیتها تداوم داشتند، مگر در مواردی که ناآرامی‌های اجتماعی موجب اختلال و وقفه در جریان آنها می‌گردید. شرکت‌های ناشی از سرمایه‌گذاری مشترک، در سرمایه‌گذاریهای عمده از توان مالی دولت نیجریه بهره‌جسته و در عین حال با همکاری NNPC درصدد یافتن راهکارهای دیگری جهت تأمین مالی برآمدند تا بدین ترتیب او وابستگی شدید به بودجه دولت و سهم بودن آن بکاهند. شرکت توسعه نفت

نیجریه (NPDC) که زیرمجموعه NNPC می‌باشد، برای اجرای پروژه‌های خود به استقراض از منابع مختلف روی آورد. اما در خصوص امور اکتشاف و توسعه نفت در مناطق دریایی، تأثیر سقوط نفت به دلیل استفاده نیجریه از قراردادهای مشارکت در تولید (PSC) ناچیز بود.

● چه اقداماتی دولت نیجریه جهت کاهش تأثیر کاهش شدید درآمد‌های نفتی ناشی از کاهش قیمت نفت اتخاذ نمود؟ آیا این امر تأثیر مستقیمی بر NNPC داشت؟ اگر چنین بود، آن تأثیرات چگونه بودند؟

○ سقوط قیمت نفت فوراً منجر به تجدیدنظر در تعیین بودجه کشور گردید تا بدینوسیله:

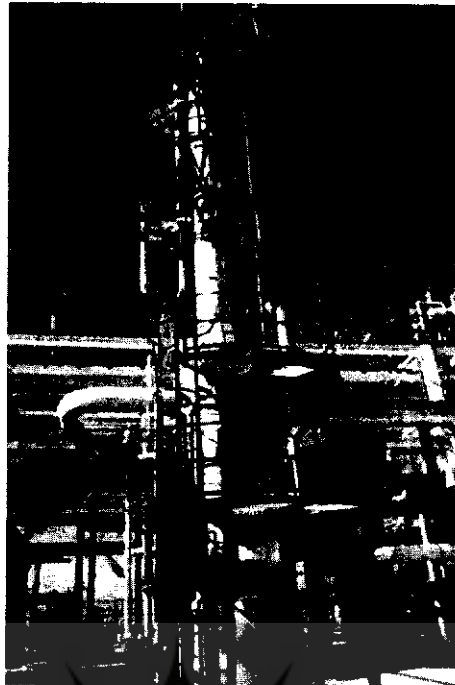
- ۱- از میزان درآمد مورد انتظار کاسته شود،
- ۲- بر رعایت انضباط در انجام هزینه‌ها تأکید شود،
- ۳- اولویت‌بندی پروژه‌ها در نظر گرفته شود،
- ۴- یک نرخ و قیمت واقع‌بینانه و قابل تحقق برای نفت خام جهت تعیین برآوردی دقیقتر از میزان درآمد صورت گیرد.

و همان‌گونه که قبلاً اشاره شد، تأمین بودجه مورد نظر NNPC به منظور اجرای پروژه‌های مهمتر تحقق نیافت. لذا، انجام برخی از آن پروژه‌ها به ناچار به تعویق افتاد که از جمله آن پروژه‌ها، می‌توان به تأخیر قابل ملاحظه در انجام اصلاحات در پالایشگاه‌ها اشاره نمود که در نتیجه، باعث به تعویق افتادن از سرگیری جریان عادی تولید فرآورده‌های نفتی گردید. لذا، ما بالاچار به واردات فرآورده‌های نفتی جهت جبران کمبودهای داخلی روی آوردیم.

● با توجه به تغییرات ساختاری عمده در شرکت‌های بین‌المللی نفت طی ماههای اخیر، از جمله پدید آمدن موج ادغام و تملک شرکتها، آیا به نظر شما، ساختار فعلی NNPC برای قرن جدید مناسب است؟ چنانچه مناسب نیست، چه تغییراتی در ساختار NNPC در نظر گرفته شده است؟

(۱) البته این موج اخیر ادغام‌ها و تملک‌ها که در مواردی اتحادهای استراتژی نامیده شده‌اند، به دلایل گوناگونی رخ داده‌اند. برای مثال، در برخی از موارد، منسجم و یکپارچه سازی سرمایه و دارایی‌ها شرکتها با سطوح مختلف سودآوری، هدف بوده است. و در مواردی دیگر، هدف، ایمن‌سازی سرمایه و دارایی‌هایی است که با رشد سریع همراه بوده‌اند و یا مواردی که با ترقی ارزش سهام در بازار مواجه هستند. باید توجه داشت که همه این تغییر و تحولات ناشی از جریان و فعل و انفعالات بازار می‌باشد و در شرایط و جوی پویا و مملو از تحولات، همه

دست‌اندرکاران به نحوی تحت تأثیر قرار می‌گیرند که موجب تغییر گردش معمول امور می‌گردد. لذا، NNPC سعی خواهد کرد که در انزوا قرار نگرفته و از فرصتهای تجاری موجود بین‌المللی بهره‌مند شود، به نحوی که قادر به رقابت در سطح جهان باشد. شرکت NNPC به منظور نیل به یک ساختار سازمانی موفق در جهت پیشبرد اهداف صنعت نفت نیجریه، به طور مستمر در حال تجدید ساختار درونی خود می‌باشد و دولت نیجریه در نظر دارد آزادی عمل قابل توجهی به NNPC در چارچوب آزادسازی کامل بازار فرآورده‌های نفتی بدهد. در نهایت، هدف از این تجدید ساختار، کاهش دیوان سالاری در NNPC، رعایت هرچه بیشتر هزینه‌ها، کاهش تورم نیروی انسانی و بهره‌برداری هرچه بیشتر از فرصتهای استثنایی تجاری و در عین حال تأثیرگذاری مثبت بر شرایط اقتصادی کشور می‌باشد. در واقع، NNPC قرن ۲۱، یک شرکت تجاری بین‌الملنی فعال در امور نفت و گاز از طریق بهره‌گیری از نیروی انسانی متخصص و تکنولوژی روز خواهد بود.



وضعیتی دارد؟

(۱) بدیهی است شرکتهای چند ملیتی به چند دلیل دارای نقش مهمی در صنعت نفت نیجریه هستند. اولاً، بدین دلیل که نیجریه هنوز به لحاظ توسعه نفتی راه درازی در پیش روی دارد به ویژه در خصوص مناطق دریایی که حوزه بعدی فعالیت ما را تشکیل می‌دهد. ثانیاً، بدین جهت که شرکتهای بین‌المللی نفتی از تجربه، دانش، سرمایه و تکنولوژی لازم برخوردارند که از آنها می‌توان در توسعه صنعت نفت نیجریه بهره جست، به ویژه فعالیت در حوزه‌های نفتی دریایی، مستلزم تکنولوژی پیچیده‌ای است که هم‌اکنون فاقد آن هستیم. ضمن آنکه، کشور نیجریه به افزایش قابل توجه تلاشهای اکتشافی خود جهت کشف حجم بیشتر نفت خام در مقایسه با میزان کنونی تولید نفت خام نیاز دارد. جمعیت کشور نیجریه در حال حاضر ۱۱۰ میلیون نفر است و نرخ رشد سالانه آن ۲/۵ درصد می‌باشد. لذا، این کشور به درآمد بالای نفتی جهت اجرای برنامه توسعه اقتصادی خود نیاز دارد. در عین حال که از شرکتهای چند ملیتی جهت همکاری تمام عیار در صنعت نفت کشورمان استقبال می‌شود، اما شرکتهای داخلی نیز به مشارکت در مخاطره پذیری‌ها و بهره‌مند شدن از سود و مزایای امور اکتشاف و تولید تشویق می‌شوند. بدین منظور، دولت نیجریه صریحاً امتیازات جذابی برای شرکتهای تولیدی قابل شده است. این امتیازات انگیزه‌بخش، شامل تضمین سود نهایی و نیز جبران و بخشودگی مالیاتی در مورد طیف وسیعی از اقلام هزینه‌ای

● طی دهه گذشته، جریان خصوصی‌سازی تبدیل به یک امر عادی شده است. آیا به نظر شما، در این خصوص نقشی برای بخش انرژی نیجریه وجود دارد؟ در صورت مثبت بودن پاسخ، لطفاً توضیح دهید.

(۲) سیاست خصوصی‌سازی به عنوان یک هدف مهم برای دولت نیجریه مطرح می‌باشد. بدین منظور، دولت هم‌اکنون کمیته‌ای را جهت بررسی و توصیه اینکه چه بخشهایی باید خصوصی شوند و به چه ترتیب عمل خصوصی‌سازی باید صورت پذیرد. تعیین نموده است. ما نیز منتظر توصیه‌های این کمیته و موافقت دولت متبوع خود هستیم. البته، باید یادآور شد که دولت نیجریه ضمن آن که درصدد است تا مسیر خصوصی‌سازی را پیماید، بر این باور است که در ابتدا باید یک بررسی جامع جهت تعیین ارزش خالص دارایی‌ها صورت پذیرد تا بدین ترتیب، خصوصی‌سازی هر بخش قابل توجیه گردد و علاوه بر آن، دستورالعمل نحوه عرضه سهام آن به تفصیل باید ارائه شود. و تنها در آن صورت است که امر خصوصی‌سازی پیشنهادی امور بالایشی و شرکت برق نیجریه (NEPA) قابل ارزیابی خواهد بود.

● به نظر می‌رسد نقش شرکتهای چند ملیتی در بخشهای صنعت نفت بسیاری از کشورهای عضو اوپک به میزان قابل توجهی رو به افزایش است. این نقش در نیجریه چه

می‌باشد. از طرفی، با توجه به رشد و گسترش میزان مخاطرات، به ویژه در حوزه‌های نفتی دریایی، دولت نیجریه به منظور ایجاد جذابیت بیشتر، قراردادهای مشارکت در تولید را که به نفع طرفین است، به شرکتهای چند ملیتی پیشنهاد داده است. علاوه بر آن، از میزان مالیات بر سود نفتی کاسته شده و بهره مالکانه کمتری هم دریافت می‌شود. بدون شک این عوامل انگیزه‌بخش، برای جذب و تداوم سطح بسیار بالایی از سرمایه‌گذاری طی قرن ۲۱ کفایت می‌کند.

● لطفاً جدیدترین تحرکات و پیشرفتهای NNPC را در امور بالادستی، مانند اکتشاف و توسعه ذخایر نفتی و افزایش ظرفیت تولید بیان فرمایید.

(۳) سیاست جاری دولت در امور بالادستی بدین قرار است:

– دسترسی به سطح ذخایر ۳۰ میلیارد بشکه‌ای و میزان تولید ۳ میلیون بشکه در روز

– نیل به درآمدهای صادرات گاز معادل درآمد ناشی از فروش نفت در آینده‌ای نزدیک

– احداث خط لوله گاز آفریقای غربی تا شهر داکار و ادامه احداث خط لوله گاز فرامرزی نیجریه برای تأمین مصارف صنعتی و خانگی.

دولت نیجریه، ضمناً وضعیت بودجه را در امور بالادستی مورد بررسی قرار داده و برای فعال نگهداشتن این بخش موافقت نموده است تا از منابع مالی جدید استفاده شود. در عین حال، واگذاری امتیازات بهره‌برداری نفتی مبتنی بر یک رقابت باز و آزاد خواهد بود. شرایط مالی حاکم بر قراردادهای نفتی خشکی و دریایی مستمراً تحت بررسی است. علاوه بر آن، صادرات گاز مایع شده طبیعی (LNG) از پایانه بونی^(۴) آغاز شده است. در خصوص ناآرامی‌های محلی در مناطق نفت خیز، لایحه‌ای جهت تأسیس کمیته‌ای تحت عنوان کمیسیون توسعه دلتای نیجریه^(۴) در مجلس ملی تحت بررسی است. وظیفه این کمیته، پرداخت خسارات به میزان مکفی به اهالی و دست‌اندرکاران دولتهای محلی است. از دیگر وظایف کمیته مذکور اجرای پروژه‌های اجتماعی و اقتصادی مورد نظر اهالی آن مناطق است.

● جدیدترین تحولات قابل توجه در امور پایین‌دستی در نیجریه کدامند؟ چه سیاستهایی را در توسعه امور پایین‌دستی تعقیب می‌کنید؟ آیا طی سالهای اخیر در این

سیاستها تغییراتی صورت پذیرفته است؟ دست‌آوردهایان در زمینه رعایت مسائل و استانداردهای محیط زیستی چه بوده‌اند؟ آیا فعالیت‌هایی در امور پایین دستی دیگر کشورها دارید؟ در صورت مثبت بودن پاسخ، چه نوع فعالیتی؟

○ پالایشگاه‌های نیجریه با ظرفیت جمعاً ۴۴۵ هزار بشکه در روز، در حال بهینه‌سازی هستند تا پاسخگوی کل تقاضای فرآورده‌های نفتی در کشور باشند. پروژه کارخانه پتروشیمی الم نیز به منظور تولید انواع فرآورده‌های پتروشیمیایی در دست اجراست. عمده‌ترین مسئله‌ای که گریبانگیر بخش پایین دستی نیجریه می‌باشد، بی‌توجهی در اجرای برنامه‌های تسعیراتی زمانبندی شده و همچنین محدودیتهای مالی و بودجه‌ای برای امور پالایشی می‌باشد. به طوری که این امر سبب گردیده است تا از ظرفیت پالایشی کشور نتوانیم بهره‌مند شویم و لذا، کمبود فرآورده‌های نفتی موجب واردات فرآورده‌های نفتی در سطحی گسترده شده است. سیاست دولت بر پایه آزادسازی بازار فرآورده‌های نفتی استوار است. این سیاست، برای NNPC این امکان را فراهم می‌کند تا برای مراحل تولید، توزیع و عرضه فرآورده‌های نفتی به صورت تجاری و مقرون به صرفه عمل کند و در مقابل، بخش خصوصی وارد بازار خورده‌فروشی گردد. از طرفی، استقبال محافل سرمایه‌گذاری بین‌المللی از پروژه‌های مصرف و به‌کارگیری گاز مانند: پروژه‌های متانول، مایع‌سازی گاز و کودسازی، کند و ضعیف بوده است که اساساً این‌کندی ناشی از جو نامطلوب سرمایه‌گذاری در دوران رژیم نظامی سابق می‌باشد. اکنون با جایگزینی یک دولت مردمی و با توجه به امتیازات جذاب ارائه شده در مورد بخش گاز، انتظار می‌رود تا افزایش چشم‌گیری در میزان سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی طی دهه‌های آتی پدید آید.

در زمینه خرید و تملک برخی تأسیسات امور پایین دستی در خارج از کشور، پیشنهادهایی از سوی برخی پالایشگاه‌های آفریقایی و غیرآفریقایی ارائه شده است و NNPC در حال بررسی خرید سهام آنها می‌باشد. در صورت موفقیت این سیاست، تنوع در نوع فعالیت‌های NNPC پیگیری خواهد شد. در مورد مسئولیتهای ما در قبال محیط زیست، با بهینه‌سازی سیستم‌های پالایشی، NNPC درصدد کاهش سوخت و ضایعات پالایشی و جلوگیری از اسراف و نتیجتاً رعایت استانداردهای جهانی می‌باشد.

● گاز طبیعی به دلیل امتیازات بسیار مثبت آن به لحاظ زیست‌محیطی، غالباً به عنوان «سوخت آینده» مطرح می‌باشد. NNPC چه اقداماتی در زمینه توسعه گاز طبیعی انجام داده و می‌دهد تا موجب عیان شدن هر چه بیشتر اهمیت فزاینده این سوخت گردد؟

○ طی سالهای اخیر، نیجریه اولویت را به گاز طبیعی که به وفور در این کشور وجود دارد، داده است. در گذشته، به دلیل سودآورتر بودن تولید نفت برای شرکتهای چند ملیتی که هم‌اکنون در نیجریه به کار اکتشاف و تولید نفت خام مشغولند، توسعه گاز طبیعی مورد بی‌توجهی قرار داشت. دولت نیجریه در حال حاضر، امتیازهایی را به صورت یک مجموعه برای بخش گاز قائل شده است تا بدین ترتیب، زمینه را برای جذب سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در صنعت گاز طبیعی فراهم نماید. دولت مصمم است تا درآمد ناشی از گاز طبیعی را هم‌سنگ درآمد حاصل از تولید نفت خام نماید. سوزانده شدن گاز و هدر رفتن آن قرار است تا سال ۲۰۰۸ به طور کامل متوقف شود. در ضمن، دولت نیجریه از طریق NNPC اقدام به یک سلسله سرمایه‌گذاری مشترک با شرکتهای آجیب، شل و الف در زمینه تولید گاز مایع نموده است که اولین محموله تولیدی آن در اکتبر ۱۹۹۹ برای متقاضیان اروپایی ارسال شد. دومین واحد تولید گاز مایع در ماه مارس ۲۰۰۰ تکمیل شده و سومین واحد آن در سال ۲۰۰۲ مورد بهره‌برداری قرار خواهد گرفت. مجموعاً ۸/۵ میلیارد مترمکعب گاز مایع در سال از این سه واحد صادر خواهد شد، ضمن آنکه، قرار است تعداد کارخانجات مایع‌سازی گاز طبیعی جمعاً به پنج واحد افزایش یابد. دولت نیجریه امیدوار است که دیگر سرمایه‌گذاران حتی بدون مشارکت دولت، اقدام به سرمایه‌گذاری مشترک مشابهی در زمینه پروژه‌های پیشنهادی گاز مایع نمایند. دولت نیجریه ضمناً مشغول همکاری با دیگر شرکتهای نفتی چند ملیتی در مورد احداث خط لوله گاز آفریقای غربی به منظور تأمین گاز نیروگاه‌های تولید برق و حمایت از توسعه صنعتی و اقتصادی در مناطق محروم می‌باشد. در ماه اوت ۱۹۹۹، کشورهایی مانند جمهوری بنین، غنا و نیجریه که در پروژه مذکور دخالت داشتند، اقدام به امضای تفاهنامه‌ای با یک کنسرسیوم نفتی متشکل از شرکت توسعه نفتی شل، شورون نیجریه، NNPC، شرکت ملی نفت غنا، سولگاز^(۵) و سوناگاز^(۶) جهت اجرای پروژه مزبور نمود. پیش‌بینی می‌شود تقاضای گاز

به ۲۳۰ میلیون فوت مکعب تا سال ۲۰۱۰ بالغ گردد، ضمن آنکه، هدف زمانی برای ورود به بازار صادرات این محصول قبل از سال ۲۰۰۲ می‌باشد. به هر حال، الویت به استفاده و مصرف گاز همراه داده شده است تا به هدف زمانی پیش‌بینی شده برای متوقف ساختن کامل سوزاندن گازهای همراه نائل آییم.

البت، علاوه بر صدور گاز، مصرف داخلی گاز نیز همچنان رو به افزایش است. شرکت گاز نیجریه (NGC) که زیرمجموعه NNPC است، مسئولیت انتقال گاز را از مناطق تولیدی به NEPA و بخش صنعتی کشور در جنوب از طریق خط لوله اسکراووس-لاگوس^(۷) به عهده دارد. ضمناً، خطوط لوله فرعی برای تسهیل انتقال و توزیع گاز به متقاضیان عمده‌ای نظیر صنایع سیمان، فولاد و شیشه احداث شده‌اند. احداث خطوط لوله گاز به مناطق شمالی کشور، هم‌اکنون تحت بررسی است و به زودی ساخته خواهد شد.

پیش‌بینی می‌شود پس از تصویب سیاستگذاری گاز طبیعی توسط دولت، فعالیت‌ها در بخش گاز (به دلیل شرایط مالی جذاب پیشنهاد شده توسط دولت و رشد تقاضای ملی و خارجی برای گاز) افزایش یابد. در ضمن، میدان وسیعی برای فعالیت در زمینه تبدیل گاز به فرآورده‌های ویژه‌ای جهت استفاده به عنوان خوراک کارخانجات پتروشیمی و کودسازی وجود دارد.

● امور پتروشیمی طبیعتاً مکمل امور نفت و گاز است، بدین دلیل که خوراک آن ارزان است و به وفور هم در نیجریه وجود دارد. لطفاً جدیدترین تحولات این بخش را هم بیان فرمایید؟

○ صنعت پتروشیمی سرمایه بر است و نیجریه مصمم است تا این صنعت را به صورت مرحله‌ای توسعه دهد. در مرحله اول، محصولاتی شامل پلی‌تیلن، پلی‌پروپیلن از فرآورده‌های نفتی پالایش شده تولید می‌شوند و کارخانه‌های ذی‌ربط از سال ۱۹۸۰ فعال بوده‌اند. مرحله دوم تحت مدیریت شرکت پتروشیمی الم که زیرمجموعه NNPC می‌باشد، اداره می‌شود. این فاز در واقع مجتمعی است شامل یک کارخانه اولفین، یک کارخانه پلی‌تیلن، یک کارخانه پلی‌پروپیلن، یک واحد بوتان-۱ و یک مرکز تولید کالاهای پلاستیکی و تأسیسات جنبی آنها می‌باشد که از گاز طبیعی به عنوان خوراک استفاده می‌کنند. کلیه کارخانجات و تأسیسات مزبور پس از سه سال فعالیت موفقیت‌آمیز آزمایشی، در اوایل سال ۱۹۹۹ رسماً فعالیت

خود را آغاز نمودند. البته، صادرات محصولات پروپیلن و پلی اتیلن به ترتیب در ماه مارس و سپتامبر سال ۱۹۹۶ آغاز گردید و شرکت شیمیایی و گواهی کننده تکنولوژی آن، مسئولیت بازاریابی و فروش محصولات مذکور را به دیگر کشورها از جمله انگلیس، هلند و ترکیه عهده دار شده است.

اما، صنعت پتروشیمی ما با یک رشته از معضلات، به ویژه کمبود بودجه جهت تهیه مواد شیمیایی، کانالیست‌ها و قطعات یدکی ضروری برای تداوم فعالیت کارخانجات ذی ربط مواجه است. ضمن آنکه، بازار جهانی فرآورده‌ها و محصولات پتروشیمی از یک روند چرخه‌ای و دوره‌ای تبعیت می‌کند. اکنون، چند سالی است که بازارها اشباع می‌باشند و این عمدتاً ناشی از احداث بی‌رویه کارخانجات جدید پتروشیمی در سطح جهان می‌باشد.

● امروزه توجه فزاینده‌ای به محیط زیست و مسائلی مانند تلاش برای کاهش گازهای گلخانه‌ای به منظور مبارزه با خطر گرم‌تر شدن هوا در سطح جهان از طریق اعمال مالیات بر فرآورده‌های نفتی می‌شود. مواضع نیجریه در این رابطه چیست؟

○ دولت نیجریه برای حفاظت از محیط زیست اولویت بالایی قابل است. اداره فدرال حفاظت از محیط زیست، استانداردهایی تجویز و همه را ملزم به رعایت آن استانداردها می‌نماید. ضمناً، دیگر ادارات موجود در صنعت نفت به شدت تلاش می‌نمایند محیط زیست را از آلاینده‌ها و مواد سمی و مضر محفوظ نگهدارند. در مورد ساطع شدن گازهای گلخانه‌ای، عمده‌ترین اقدام ما ملزم ساختن شرکت‌های نفتی به هدف قطع کامل سوزاندن بی‌جهت گاز (Gas Flaring) می‌باشد در این زمینه، نسبت به کشورهای دیگر که هنوز گازهایشان بی‌جهت سوزانده می‌شود از موقعیت برتری برخوردار خواهیم بود و در عین حال، میزان مصرف گاز خود را افزایش داده و از هدر رفتن آن جلوگیری نماییم. در ضمن، به منظور کنترل مصرف بی‌رویه فرآورده‌های نفتی دولت همچنان جریان آزادسازی بازار مصرف را دنبال می‌کنند. به هر حال، نیجریه که فعلاً وابسته به واردات اتومبیل می‌باشد، از پیشرفتهای تکنولوژیکی اتومبیلها در کاهش مصرف بنزین بهره‌مند خواهد شد. علاوه بر این، ما درصدد استفاده از فرآورده‌های جایگزین مانند گاز در سید انرژی کشورمان هستیم و لذا از گاز در نیروگاه‌های برق و دیگر صنایع و نیز اتومبیلها استفاده خواهیم نمود. در حال حاضر، یک پروژه

مقدماتی و آزمایشی در زمینه استفاده از گاز طبیعی فشرده در بخش حمل و نقل در جریان می‌باشد.

● مشکلی که عموماً کشورهای در حال توسعه تولیدکننده نفت با آن مواجهند، وابستگی شدید به درآمد ارزی ناشی از صدور نفت می‌باشد. آیا نیجریه هم جزو این دسته از کشورهاست؟ با توجه به اینکه نفت خام یک منبع محدود می‌باشد، چه اقداماتی از سوی نیجریه برای متنوع‌سازی منابع درآمد اتخاذ شده است؟

○ در حال حاضر، نفت خام ۹۰ درصد درآمدهای ارزی و ۷۰ درصد درآمدهای بودجه‌ای کشور را تشکیل می‌دهد و ۳۲ درصد تولید ناخالص ملی را به خود اختصاص داده است. اکنون، با عنایت به خطرات وابستگی شدید به نفت خام که نوسانات بازار جهانی نفت به کرات آن را دامن زده است، دولت نیجریه مجدانه در تلاش برای متنوع‌سازی منابع درآمدی خود می‌باشد و این امر برای به ثمر رسیدن به زمان نیاز دارد.

قبل از هر چیز، این عزم وجود دارد که کشاورزی باید مجدداً احیا شود تا نقش تاریخی خود را به عنوان یک مکمل عمده صادرات نفت از سرگیرد. بدین منظور، شورای بازاریابی محصولات کشاورزی به طور کلی تعطیل گردیده است تا کشاورزان به ارتباط مستقیم با بازارهای جهانی تشویق شوند. بین ترتیب، آنها از درآمد بیشتری برخوردار شده، سرمایه‌گذاری‌های داخلی افزایش یافته و تولیدات کشاورزی گسترش می‌یابند. ثانیاً دولت نیجریه در تلاش برای دست یافتن به سیاست‌های مناسب و ثبات آفرین در چارچوب بازار بوده است تا بدین ترتیب، توسعه و تقویت بخش خصوصی را تحقق بخشد. ثالثاً، در تعقیب اهداف سیاست‌های نفتی، دولت نیجریه توسعه گاز و پروژه‌های گازی را به منظور ایجاد مکملی برای بخش کشاورزی به عنوان یک منبع عمده درآمدهای ارزی آغاز نموده است. همان گونه که قبلاً اشاره شد، دولت نیجریه مصمم است تا توازنی بین درآمدهای نفتی و گاز در آینده‌ای نه چندان دور پدید آورد.

بدیهی است، دولت نیجریه همیشه اقدام به فراهم نمودن زیرساخت‌های لازم از طریق سرمایه‌گذاری‌های کلان در تأمین برق، آموزش و پرورش و بهداشت خواهد نمود و در عین حال، تلاش خواهد نمود تا نظم و قانون و امنیت اقتصادی حکمفرما باشد.

● از زمانی که نیجریه به عضویت اوپک درآمده، چه نوع پیشرفتهایی در اقتصاد داخلی

کشور از جمله در امور بهداشت، آموزش و پرورش و کشاورزی پدید آمده است؟ تا چه میزان سطح و استاندارد زندگی و وضعیت عمومی ملت بهبود یافته است؟ آیا می‌توان از برخی پروژه‌های مرتبط با صنعت نفت یا دیگر برنامه‌ها برای ارتقای سطح زندگی مردم بهره جست؟

○ نیجریه در سال ۱۹۷۱ به عضویت اوپک درآمد و بلافاصله اقدام به اجرای قطعنامه‌های اوپک نمود، از جمله اینکه، شرکت‌های ملی نفت کشورهای عضو باید از یک میزان معین سهام در سرمایه‌گذاری‌های مشترک در صنعت نفت خود برخوردار باشند. و امروز، نیجریه از ۵۷ درصد سهام مزبور به طور میانگین برخوردار است و لذا حق برداشت از نفت‌خام‌های تولید شده توسط سرمایه‌گذاری‌های مشترک را دارد که این امر درآمدهای نفتی دولت را تضمین می‌کند. افزایش‌های پدید آمده در قیمت نفت طی سالهای ۷۴-۱۹۷۳ که سبب افزایش شدید درآمد ارزی نیجریه گردید، به دولت این امکان را داد تا دست به اجرای برنامه‌های قابل توجه توسعه‌ای بزند. نهایتاً، این امر باعث شد تا سرمایه‌گذاری در امور آموزش و پرورش، زیرساخت‌ها و بهداشت گسترش یافته و منجر به رشد اقتصادی و توسعه به ویژه طی دهه ۱۹۷۰ گردد.

اما، کاهش قیمت‌های نفت طی اوایل دهه ۱۹۸۰ که به سقوط کامل قیمت‌های نفت در سال ۱۹۸۶ انجامید، توأم با مشکلات به وجود آمده در تنظیم وضعیت اقتصادی کشور همراه با شرایط نامطلوب پدید آمده و واقعیت کاهش درآمد کشور، باعث وخیم شدن وضعیت اقتصادی و اجتماعی جامعه نیجریه گردید و وضعیت مذکور، به دلیل فقدان مدیریت صحیح اقتصادی، عدم شفافیت و کاهش سرمایه‌گذاری و سرمایه‌زدایی، هرچه وخیم‌تر گردید که البته بیانگر دوران طولانی دیکتاتوری نظامی در کشور بود.

امروزه، با بازگشت به حکومت دموکراتیک، فرصت جدیدی برای نیجریه فراهم شده است تا از امکانات بالقوه بهره جست و پایه و اساسی نوین را برای شکوفایی اقتصادی بنیان نهد.

افزایش اخیر قیمت نفت در صورت پایدار بودن، می‌تواند کشور را در شرایط مطلوبی قرار دهد. علاوه بر آن، پروژه‌های جدید گازی، به ویژه پروژه گاز مایع (LNG)، سالانه حداقل ۱/۴ میلیارد دلار درآمد ایجاد خواهد کرد و به عنوان مکملی برای درآمدهای نفتی، مرحله جدید توسعه اقتصادی را تداوم خواهد بخشید.

● با وجود گوناگون بودن فرهنگ و تاریخ کشورهای عضو اوپک، یک روح اتحاد بین

اعضای اوپک درباره موضوعات انرژی از زمان تأسیس سازمان اوپک در سال ۱۹۶۰ وجود داشته است و ضمناً اوپک از طریق نهادهایی مانند صندوق اوپک، به یاری دیگر کشورهای در حال توسعه شتافته است. در چه زمینه‌های دیگری این روح وحدت می‌تواند طی هزاره جدید بین اعضای اوپک به کار گرفته شود؟

○ البته عملکرد صندوق اوپک رضایتبخش بوده، اما عمدتاً در خدمت کشورهای غیر عضو اوپک بوده است و اصولاً در سطحی نیست که بتواند به عنوان عامل وحدت بین اعضای اوپک عمل کند. جدای از توافقات به عمل آمده در بین اعضای اوپک برای حمایت از بازار جهانی نفت، آزمون واقعی وحدت اوپک در میزان سرمایه‌گذاری‌های مستقیم اعضا در کشورهای یکدیگر و مخاطره‌پذیری ایشان در این رابطه می‌باشد. زمان آن فرا رسیده است تا کشورهای ثروتمند عضو اوپک اقدام به سرمایه‌گذاری در کشورهای فقیرتر نمایند، تا بدین وسیله امکان افزایش توانایی‌های جمعی اعضای اوپک در بخش نفتی‌شان فراهم گردد. این اقدامات می‌تواند شامل مبادله توانایی‌های تکنولوژیکی و پرسنلی، مشارکت در سرمایه‌گذاری در امور بالادستی و پایین دستی نفت و فراهم نمودن امکانات آموزشی تخصصی برای کشورهای عضو باشد.

● همیشه به نفت به عنوان «سوخت قرن ۲۰» اشاره شده است. در واقع، آنچه که ما به عنوان زندگی از آن یاد می‌کنیم، بدون نفت و فرآورده‌های نفتی غیر قابل تصور است. به نظر شما، تأثیرات مثبت نفت طی قرن ۲۱ چه می‌تواند باشد؟ آیا نفت نقش کلیدی خود را در جوامع ما حفظ خواهد کرد؟

○ سهم نفت در سبد جهانی انرژی حدود ۴۰ درصد است. گرچه افزایش مصرف گاز و دیگر محصولات انرژی قابل پسند برای محیط زیست ممکن است از میزان تقاضا و مصرف نفت خام بکاهد، اما این کاهش به دلیل انعطاف‌پذیری و سهولت استفاده از فرآورده‌های نفتی ناچیز خواهد بود. ضمن آنکه، پیشرفتهای تکنولوژیکی برای کاهش هزینه‌های اکتشاف و تولید نفت، امکان کشف و افزایش ذخایر نفتی را فراهم ساخته است. لذا، طی بخش عمده قرن جاری، نفت خام همچنان به عنوان منبع اصلی انرژی باقی خواهد ماند، لیکن انتظار می‌رود دیگر منابع انرژی به ویژه گاز، در صورت بالاتر بودن قیمت انرژی، نقش فزاینده‌ای را در سبد انرژی ایفا نماید.

● و بالاخره، اوپک چهلمین سالگرد تأسیس خود را در سپتامبر ۲۰۰۰ جشن

خواهد گرفت. به نظر شما، مشکلات عمده و مهمترین دست‌آورد‌های اوپک تا به امروز چه بوده‌اند؟ این سازمان چه نقشی را در قرن جدید ایفا خواهد نمود؟

○ اوپک طی دو دهه گذشته، به موفقیت‌های چشمگیری در تثبیت و تقویت بازار جهانی نفت نایل نیامده است که دلایل آن را به اختصار می‌توان به صورت ذیل بیان داشت:

– عدم توانایی در کنترل تام و کامل میزان عرضه نفت خام جهان، که این امر ناشی از محدود بودن تعداد اعضای اوپک است و لذا، در صورت پذیرش تعداد بیشتری عضو از بین کشورهای مستقل تولیدکننده نفت، اوپک در شرایط مطلوبی قرار می‌گرفت.

– فقدان دقت در تعیین میزان تقاضای جهانی نفت از اوپک، لذا، باید توان علمی-فنی دبیرخانه اوپک افزایش یابد.

– میزان سهم‌بندی تولید بین اعضای اوپک همیشه جدال‌آمیز بوده است که ناشی از قدیمی بودن فرمول سهم‌بندی می‌باشد.

– اعضای اوپک به ویژه کشورهایی که به دلیل سطح بالای جمعیت و ضرورت سرمایه‌گذاری بیشتر از ظرفیت جذب بیشتری برخوردارند، غالباً نمی‌توانند سطح سهمیه تولید تعیین شده را رعایت نمایند و در نتیجه سقف تولید اوپک تحقق نمی‌یابد.

– برخی اوقات، افزایش‌های قیمت نفت به گونه‌ای است که حفظ آن دشوار می‌گردد، در نتیجه این پدیده منجر به سقوط قیمت‌ها و واکنش منفی مصرف‌کنندگان نفت می‌شود که این تحولات نتیجه عدم تشخیص و قضاوت صحیح درباره عوامل بازار می‌باشد.

– نقش پیشرفتهای تکنولوژی در اکتشاف و تولید نفت به ویژه در مناطق دریایی محدود بوده است.

– رشد فوق‌العاده در تولید و عرضه نفت خام تولیدکنندگان غیر عضو اوپک که ناشی از افزایش‌های بی‌رویه قیمت نفت می‌باشد.

– لحاظ نشدن صحیح عوامل متفرقه مؤثر در برآورد و ارزیابی‌های بازار، برای مثال، نقش نفت خامهای ذخیره شده، بازارهای آتی، توانایی صادرات نفت خام عراق و شرایط جوی آب و هوا و بازار.

و اما دست‌آورد‌های اوپک از این قرارند: – اوپک با دخالت در بازارهای جهانی نفت، به‌طور موفقیت‌آمیزی انتقال و تبدیل انرژی را به ویژه از انرژی کم‌هزینه به انرژی پرهزینه و وابستگی به یک منبع به دیگر اداره نموده است.

– لذا، نقش اوپک تضمین مصرف منظم و قابل پیش‌بینی انرژی و روند منظم تولید در جهان بوده است و در نتیجه توانسته است بحرانهای انرژی را که برای اقتصاد جهانی زیان‌بخش بوده است، پیش‌بینی و خنثی نماید.

– اوپک با عرضه با ثبات و مستمر نفت خام به کشورهای مصرف‌کننده به قیمتی منطقی، به معنای واقعی مسئول توسعه اقتصادی جهان پس از دوران جنگ می‌باشد.

– اوپک تضمین‌کننده حداقل درآمد نفتی برای کشورهای عضو خود می‌باشد تا دولت‌های ذی‌ربط به اهداف اقتصادی خویش نایل آیند و از طریق دبیرخانه اوپک، کشورهای عضو به تخصص لازم در مدیریت سیاستگذاری بخش نفت نایل آمده‌اند.

– کشورهای غیر عضو اوپک با سوءاستفاده از اوپک، به درآمدهای بالاتر نفتی برای توسعه بخش‌های نفت و دیگر امور اقتصادی خود دست یافته‌اند.

بنابراین در قرن ۲۱، اوپک به عنوان یک نیروی تعیین‌کننده در بازار نفت مطرح خواهد بود و ثبات بازار و عرضه مستمر نفت خام را به قیمتی قابل قبول تضمین خواهد نمود و از اقتصاد جهانی چنان حمایت خواهد کرد که شکوفایی مستمر اقتصادی تداوم یابد. اما، اوپک باید به گونه‌ای حرفه‌ای تر روندهای بازار را مورد ارزیابی قرار دهد و برای این منظور، عوامل بازار را در محاسبات خود لحاظ نماید که از جمله آنها، نقش فزاینده انواع انرژیها و نقش تکنولوژی در جریان انتقال و تبدیل انرژی می‌باشد. آنچه مسلم است این است که با وجود تأکید بر نقش عوامل بازار، جهان به اوپک نیازمند است، زیرا نقش اوپک در بازار، امکان برنامه‌ریزی منظم جهانی را چه به لحاظ تولید و چه به لحاظ مصرف انرژی فراهم می‌نماید.

منبع: بولتن اوپک، آوریل ۲۰۰۰

پی‌نوشت:

- 1- Jackson Garus-Obaseki
2. Eleme
- 3- Bonny Terminal
- 4- Nigeria Delta Development Commission
- 5- Solbgaz
- 6- Sotagaz
- 7- Escravos-Lagos